

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



# حقوق جزای اختصاصی

ویژه داوطلبان آزمونهای ورودی

کارشناسی ارشد، دکتری، وکالت، قضاوت  
سردفتری، مشاوران حقوقی

تألیف:

دکتر صدیقه گلستان رو

دکتری فقه و حقوق جزا



## حقوق جزای اختصاصی – دکتر صدیقه گلستان رو

صفحه آرا: .....راضیه درستی مطلق

طراح جلد: .....مریم مظفری

---

آدرس : شیراز- پارامونت، ابتدای خ قصر دشت، موسسه آموزش عالی فاضل

تلفن : ۰۷۱۳۲۳۰۴۰۱۴ - ۰۷۱۳۲۳۴۳۲۳۴

## دانشجوی گرامی

حضور در کلاس‌های موسسه فاضل به دلیل حل مسائل متنوع، ارتباط زنده و دو طرفه بین دانشجو و استاد، قرار گرفتن در جو کنکور، ایجاد انگیزه رقابت، رفع اشکالات دانشجو و آزمون‌های کلاسی که ضمن آن از میزان آمادگی خود مطلع می‌شوید انتخابی است که نمی‌توان آنرا با مطالعه یک یا چند کتاب مقایسه کرد.

**شرکت در کنکورهای هماهنگ کشوری موسسه فاضل به شما این امکان را می‌دهد که جایگاه واقعی خود را در رتبه بندی کشوری بیابید چرا که علاج واقعه قبل از وقوع باید کرد.**

## سخن مؤلفان

یکی از شیوه های رایج در تألیف کتاب مربوط به آزمون های گوناگون، نگارش نموداری است که درک مطالب را برای داوطلب آسانتر می نماید، در کتاب پیش رو نگارنده تلاش نموده تا مبتنی بر کتاب های اصلی موجود یعنی با تکیه بر کتاب حقوق جزای اختصاصی دکتر حسین میرمحمدصادقی و کتاب محشای قانون مجازات اسلامی دکتر ایرج گلدوزیان اقدام به شرح نموداری ماده به ماده قانون مجازات اسلامی به صورت نموداری نماید تا داوطلب بتواند با آسایش خاطر و با اعتماد به اینکه کتاب بر مبنای دیدگاه منابع نگاشته شده و نویسنده از نظرات شخصی در نگارش کتاب بهره ای نبرده است، به مطالعه کتاب پردازد با امید به اینکه مورد بهره وری بزرگواران قرار گیرد.

دکتر صدیقه گلستان رو

## تقدیم به

همه آنان که با حکمی ناعادلانه اسیر کیفرهای نابجا شدند.





### فهرست مطالب

حدود و تعزیرات	۱۲
کتاب دوم: حدود	۱۲
مواد عمومی حدود	۱۲
جرایم علیه امنیت حدی	۱۵
تعزیرات	۲۸
فصل اول: جرایم ضد امنیت داخلی و خارجی کشور (مواد ۵۱۲ - ۴۹۸)	۲۸
جرایم رایانه ای علیه امنیت	۵۷
فصل اول از بخش اول جرایم رایانه ای	۵۷
اهانت به مقدسات مذهبی حدی	۵۸
سبّ نبی	۵۸
فصل دوم تعزیرات: اهانت به مقدسات مذهبی و سوء قصد به مقامات داخلی	۶۰
فصل سوم: سوء قصد به مقامات سیاسی خارجی:	۶۴
فصل چهارم: تهیه و ترویج سکه قلب	۶۷
فصل پنجم: جعل و تزویر	۷۸
فصل ششم: محو یا شکستن مهر و پمپ و سرقت نوشته ها از اماکن دولتی	۱۱۷
فصل هفتم	۱۲۰
تخریب در زندان توسط زندانی	۱۲۰
فصل هشتم: غضب عناوین و مشاغل	۱۲۷
فصل نهم: تخریب اموال تاریخی و فرهنگی:	۱۳۰
فصل دهم: تقصیرات مقامات و مأمورین دولتی	۱۳۸
سلب حقوق و آزادی مردم	۱۳۸
فصل یازدهم: ارتشاء و ربا و کلاهبرداری	۱۵۱
کلاهبرداری (همان، ج ۲، ص ۱۵۵-۱)	۱۵۱
فصل یازدهم: رشا و ارتشا و ربا	۱۸۹
مبحث نخست: رشوه	۱۸۹
مبحث دوم: ربا	۲۰۳
فصل دوازدهم: امتناع از انجام وظایف قانونی	۲۰۶
فصل سیزدهم: تعدیات مأمورین دولتی نسبت به دولت	۲۰۷
فصل چهاردهم: تمرد نسبت به مأمورین دولت	۲۱۶
فصل پانزدهم: هتک حرمت اشخاص	۲۱۷
۱- هتک حرمت حدی (قذف)	۲۱۷
۲- هتک حرمت تعزیری	۲۲۲

مؤسسه آموزش عالی آزاد فاضل .....	حقوق جزا اختصاصی
مواد ۶۹۷ تا ۷۰۰ مرتبط با این فصل هستند.) .....	۲۳۰
فصل شانزدهم: اجتماع و تبانی برای ارتکاب جرایم .....	۲۳۱
تبانی در جرم علیه امنیت .....	۲۳۱
فصل هفدهم: جرایم علیه اشخاص و اطفال .....	۲۳۵
تعزیر بدل از قصاص نفس .....	۲۳۵
فصل هجدهم: جرایم ضد عفت و اخلاق عمومی .....	۲۶۱
الف) جرایم منافی عفت حدی .....	۲۶۱
فصل نوزدهم: جرایم ضد حقوق و تکالیف خانوادگی .....	۲۷۹
فصل بیستم: قسم و شهادت دروغ و افشای سر .....	۲۸۳
افشای اسرار حرفه ای .....	۲۸۳
فصل بیست و یکم: سرقت و ربودن مال غیر .....	۲۸۶
سرقت تعزیری .....	۳۰۳
فصل بیست و دوم: تهدید و اکراه .....	۳۱۹
فصل بیست و سوم: ورشکستگی .....	۳۲۲
فصل بیست و چهارم: خیانت در امانت .....	۳۲۴
فصل بیست و پنجم: احراق و تخریب و اتلاف اموال و حیوانات .....	۳۳۸
فصل بیست و ششم: هتک و حرمت منازل و املاک غیر .....	۳۵۱
فصل بیست و هفتم: افترا و توهین و هتک حرمت .....	۳۵۷
فصل بیست و هشتم: تجاهر به استعمال مشروبات الکلی و قماربازی و ولگردی .....	۳۶۴
فصل بیست و نهم: جرایم ناشی از تخلفات رانندگی .....	۳۷۲
مبحث دوم: تخریب و اخلال در داده ها یا سامانه های رایانه ای و مخابراتی: .....	۳۸۴
فصل سوم: سرقت و کلاهبرداری مرتبط با رایانه: .....	۳۸۶
فصل چهارم: جرایم علیه عفت و اخلاق عمومی .....	۳۸۸
فصل پنجم: هتک حیثیت و نشر اکاذیب .....	۳۹۰
فصل ششم: مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی .....	۳۹۲
فصل هفتم: سایر جرایم .....	۳۹۶
فصل هشتم: تشدید مجازات .....	۳۹۷
بخش سوم: سایر مقررات .....	۴۰۲
کتاب سوم - قصاص .....	۴۱۸
بخش اول - مواد عمومی .....	۴۱۸
فصل اول - اقسام و تعاریف جنایات .....	۴۱۸
فصل دوم - تداخل جنایات .....	۴۳۲
فصل سوم - شرایط عمومی قصاص .....	۴۳۵
فصل چهارم - راه های اثبات جنایت .....	۴۴۲
فصل پنجم - صاحب حق قصاص .....	۴۵۱

.....	مؤسسه آموزش عالی آزاد فاضل
۴۶۰	فصل هفتم- اکراه در جنایت
۴۶۲	بخش دوم- قصاص نفس
۴۶۴	بخش سوم- قصاص عضو
۴۶۴	فصل اول- موجب قصاص عضو
۴۶۷	فصل دوم- شرایط قصاص عضو
۴۷۳	بخش چهارم- اجرای قصاص
۴۷۳	فصل اول- مواد عمومی
۴۷۹	فصل سوم- اجرای قصاص عضو
۴۸۲	کتاب چهارم- دیات
۴۸۲	بخش اول - مواد عمومی
۴۸۲	فصل اول - تعریف دیه و موارد آن
۴۸۳	فصل دوم - ضمان دیه
۴۸۴	فصل سوم - راه های اثبات دیه
۴۸۵	فصل چهارم - مسؤول پرداخت دیه
۴۹۰	فصل پنجم - مهلت پرداخت دیه
۵۰۰	فصل هفتم - تداخل و تعدد دیات
۵۰۲	بخش دوم - مقادیر دیه
۵۰۲	فصل اول - دیه نفس
۵۰۴	فصل دوم - قواعد عمومی دیه اعضاء
۵۰۶	فصل سوم - دیه مقدر اعضاء
۵۱۶	فصل چهارم- قواعد عمومی دیه منافع
۵۱۷	فصل پنجم - دیه مقرر منافع
۵۲۰	فصل ششم - دیه جراحات
۵۲۲	فصل هفتم - دیه جنین
۵۲۲	فصل هشتم - دیه جنایت بر میت
۵۲۴	منابع

## حدود و تعزیرات

کتاب دوم: حدود

مواد عمومی حدود:

- طبق ماده ۱۵ ق.م.ا. ۱۰ ← حد مجازاتی است که
- موجب
  - نوع
  - میزان
  - و کیفیت اجرای آن
- در شرع مشخص شده است.

ماده ۲۱۷: «در جرایم موجب حد، مرتکب در صورتی مسئول است که علاوه بر داشتن علم، قصد و شرایط مسئولیت کیفری به حرمت شرعی رفتار ارتكابی نیز آگاه باشد.»

- شرط مسئولیت کیفری در جرایم حدی
- ۱- علم به موضوع جرم
  - ۲- داشتن قصد ارتكاب جرم
  - ۳- وجود شرایط مسئولیت کیفری (عقل، بلوغ و اختیار)
  - ۴- علم به حرمت شرعی رفتار ارتكابی (جهل حکمی پذیرفته شده است.)

نکته: جهل به قانون یعنی جهل به جرم بودن رفتار ارتكابی، فقط در حدود رافع مسئولیت کیفری است.

- جهل به قانون رافع مسئولیت کیفری نیست مگر اینکه
- تحصیل علم عادتاً برای وی ممکن نبوده (ماده ۱۵۵)
  - یا شرعاً عذر شمرده شود. (حدود)

نکته: در حدود اصل بر این است که مرتکب نسبت به حرمت عمل ارتكابی علم ندارد.

تأثیر ادعای فقدان علم یا قصد در جرایم حدی:

ماده ۲۱۸: «در جرایم موجب حد هرگاه متهم ادعای فقدان علم یا قصد یا وجود یکی از موانع مسئولیت کیفری را در زمان ارتكاب جرم نمایند در صورتی که احتمال صدق گفتار وی داده شود و اگر ادعا کند که اقرار او با تعدید و ارباب یا شکنجه گرفته شده است ادعای مذکور بدون نیاز به بیینه و سوگند پذیرفته می شود.»

تبصره ا: «در جرایم محاربه و افساد فی الارض و جرایم منافی عفت با عنف، اگر اه، ربایش یا اغفال، صرف ادعا مسقط حد نیست و دادگاه موظف به بررسی و تحقیق است.»

## تبصره ۲: «اقرار در صورتی اعتبار شرعی دارد که نزد قاضی در محکمه انجام گیرد.»

در جرایم حدی	- در سایر جرایم حدی اگر مرتکب ادعا کند	- مستوجب حد محاربه، افساد یا جرایم منافی عفت با عنف، اکراه، ربایش یا اغفال
		- فقدان علم یا قصد
		- وجود موانع مسئولیت کیفری
		- فقدان علم یا قصد یا وجود موانع مسئولیت کیفری، در صورتی که احتمال صدق گفتار او داده شود.
		- که اقرار با تهدید، ارباب و شکنجه گرفته شده

← ادعای مرتکب بدون بینه و سوگند پذیرفته می شود. یعنی شبهه موجب عدم اثبات است.

## اقرار

- نزد قاضی در محکمه اعتبار دارد.

- اما اقراری که نزد ضابطین دادگستری یا مقامات دادرسی باشد دارای اعتبار نیست.

## در اقرار

- مرتکب ادعا می کند اقرار وی با شکنجه، تهدید یا ارباب بوده ← یعنی قصد اقرار نداشته اما به خاطر تهدید یا ارباب یا شکنجه مجبور به اقرار شده است.

← بدون بینه و سوگند ادعای او پذیرفته می شود. (ماده ۲۱۸)

- مرتکب، اقرار را انکار کند یعنی با قصد و اختیار اقرار کرده ام. اما اقرار خلاف واقع بوده است.

که طبق ماده ۱۷۳ ق.م.ا: «انکار پس از اقرار موجب سقوط مجازات نیست به جز در اقرار به جرمی که مجازات آن رجم یا حد قتل است که در این صورت در هر مرحله و در حین اجرا مجازات مزبور ساقط و به جای آن در زنا و لواط صد ضربه شلاق و در غیر آنها حبس تعزیری درجه پنج ثابت می شود.»

## نکته: در جرایم منافی عفت

۱- اگر اکراهی بودن جرم در دادگاه ثابت نشده و یکی از مرتکبین ادعای اکراه کند ← احتمال صدق گفتار او داده شود ← ادعای او مسموع است.

۲- اگر اکراهی بودن در دادگاه ثابت شود و مرتکب ادعا کند تحت شکنجه اقرار کرده یا علم نداشته یا مست بوده ← در جرایم منافی عفت با عنف، اکراه، ربایش و اغفال صرف ادعا مسقط حد نیست و باید توسط دادگاه بررسی شود طبق تبصره ۱ ماده ۲۱۸

## ماده ۲۱۹: تغییر در مجازات حدی

ماده ۲۱۹: «دادگاه نمی تواند کیفیت نوع و میزان حدود شرعی را تغییر یا مجازات را تغییر دهد یا تبدیل یا ساقط نماید این مجازات ها تنها از طریق توبه و عفو به کیفیت مقرر در این قانون قابل سقوط، تقلیل یا تبدیل است.»

- در جرایم حدی
- نوع، کیفیت، میزان حد قابل تغییر، تقلیل، تبدیل یا اسقاط نیست.
  - معافیت از کیفر، تعویق صدور حکم، تعلیق مجازات، نظام نیمه آزادی، آزادی مشروط، نظارت سامانه الکترونیک در جرایم حدی اعمال نمی شود.
  - عفو خصوصی می تواند باعث سقوط مجازات حدی شود ← طبق ماده ۱۱۴ ق.م.ا در جرایم حدی غیر از قذف اگر حد با اقرار ثابت شده باشد در صورت توبه مرتکب، حتی پس از اثبات جرم دادگاه می تواند عفو مجرم را از رهبری درخواست کند توسط رئیس قوه قضائیه.
  - توبه مجرم در جرایم حدی مگر قذف و محاربه پیش از اثبات جرم موجب سقوط حد است. (ماده ۱۱۴ ق.م.ا)

### توبه در جرایم حدی (ماده ۱۱۴)

- در محاربه
- ۱- پس از دستگیری موجب سقوط نیست.
  - ۲- در قذف ← با توبه ساقط نمی شود.
  - ۳- سایر حدود
  - قبل از اثبات جرم توبه کند ← حد ساقط می شود
  - بعد از اثبات جرم توبه کند
  - با اقرار ثابت شده ← حق درخواست عفو توسط دادگاه
  - با شاهد ثابت شده ← مجازات ساقط نمی شود.
- ۴- توبه در زنا و لواط به عنف، اکراه یا اغفال بزه دیده پیش از اثبات جرم موجب سقوط حد و تبدیل به تعزیر یعنی حبس یا شلاق تعزیری درجه ۶ یا هر دو می شود.

حدودی که در قانون نیست:

ماده ۲۲۰: «در مورد حدودی که در این قانون ذکر نشده است طبق اصل یکصد و شصت و هفت قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران عمل می شود.»

اصل بر قانونی بودن جرم و مجازات است. اما طبق این ماده درباره حدودی که در قانون بیان شده مانند ارتداد به قاضی اجازه داده به منافع فقهی یا فتاوی معتبر مراجعه کند و مرتکب را مجازات کند.

نکات جرایم حدی:

- ۱- حدود مشمول مرور زمان نمی شود ← مرور زمان مخصوص جرایم تعزیری است.
- ۲- ایام بازداشت قبلی ← در شلاق و حبس حدی محاسبه نمی شود.
- ۳- امکان مجازات تکمیلی در جرایم حدی وجود دارد و دادگاه در اعمال آن حداکثر تا ۲ سال اختیار دارد. (ماده ۲۳ ق.م.ا)

- ۲ - سال محرومیت از حقوق اجتماعی ← در شلاق حدی
- ۳ - سال محرومیت از حقوق اجتماعی ← در حد قطع عضو (سرقت و محاربه)
- ۴ - امکان اعمال مجازات تبعی در جرایم حدی: (ماده ۲۵ ق.ا.م.ق)
- ۷ - سال محرومیت از حقوق اجتماعی ← در سلب حیات از توقف حکم و حبس ابد از تاریخ توقف اجرای حکم

- ۵ - مجازات شروع به اجرای حد: (ماده ۱۲۲ ق.ا.م.ق)
- مجازات مستوجب سلب حیات یا حبس دائم ← حبس تعزیری درجه ۴ (سرقت حدی مرتبه سوم، لواط ...)
- مستوجب قطع عضو ← حبس تعزیری درجه ۵
- مستوجب شلاق حدی ← حبس یا شلاق تعزیری درجه ۶

- ۶ - مجازات معاونت در جرایم حدی: (ماده ۱۲۷ ق.ا.م.ق)
- حدی مستوجب سلب حیات یا حبس دائم ← درجه ۲ یا ۳ (حبس)
- حدی موجب قطع عضو و سرقت حدی ← درجه ۵ یا ۶ (حبس)
- حدی مستوجب شلاق ← درجه ۶ (فقط شلاق)

- ۷ - مجازات سردسته در جرایم حدی ← حداکثر مجازات معاونت در همان جرم (ماده ۱۳۰ ق.ا.م.ق)
- ۸ - سوگند و شهادت بر شهادت در اثبات جرایم حدی نقشی ندارد.

جرایم علیه امنیت حدی:

#### ۱- محاربه مواد (۲۸۵-۲۷۹)

ماده ۲۷۹: «کشیدن سلاح به قصد جان، مال یا ناموس مردم یا ارباب آنها است، به نحوی که موجب ناامنی در محیط گردد. هرگاه کسی با انگیزه شخصی به سوی یکی یا چند شخص خاص سلاح بکشد و عمل او جنبه عمومی نداشته باشد و نیز کسی که به روی مردم سلاح بکشد، ولی در اثر ناتوانی موجب سلب امنیت نشود، محاربه محسوب نمی شود.»

محاربه مصداق و نمونه بارز جرایم علیه امنیت در حقوق ایران و فقه اسلامی است.

- رفتار: کشیدن سلاح (برهنه کردن سلاح)
- عنصر مادی
- شرایط و احوال
- مرتکب: هر کسی ← زن یا مرد (در هر مکان شهر یا خارج شهر و هر زمان شب یا روز)
  - موضوع جرم: علیه امنیت به صورت عمومی است.
  - وسیله جرم: سلاح
  - سرد
  - یا گرم
- نتیجه: سلب امنیت مردم راهها
- ۲- عنصر معنوی
- سوءنیت عام ← علم به موضوع و عمد در کشیدن سلاح
  - سوءنیت خاص ← قصد تعرض به جان، مال یا ناموس مردم یا ارباب آنها
- نکته: قصد غیرمستقیم برای ارتکاب جرم کافی است پس اگر محارب است
- قصد اولیه ربودن هواپیما یا مال دیگری باشد
  - همین که می داند کار او موجب سلب امنیت می شود

مانند راهزن، سارق و قاچاقچی که دست به سلاح می برد و موجب سلب، امنیت مردم و راهها می شود.



## نکات محاربه

- ۱- واژه «مردم» نشان می دهد در محاربه باید نوعی «عمومیت» در جرم وجود داشته باشد.
- ← کسی که با انگیزه شخصی به سوی یک یا چند شخص خاص سلاح بکشد و عمل او جنبه عمومی نداشته باشد، محاربه نیست. مانند چاقو کشیدن روی صاحب خانه، مغازه دار یا دختری که به خواستگاری او جواب منفی داده
- ۲- در عمل لازم نیست که تعداد زیادی را بترساند ← یک نفر را بترساند، محاربه محقق شده است.
- ۳- محاربه جرم مقید است، مقید به سلب امنیت و ایجاد رعب و هراس است یعنی ایجاد ناامنی در محیط
- ← کسی که به روی مردم سلاح بکشد ولی در اثر ناتوانی موجب سلب امنیت نشود، محارب محسوب نمی شود.
- ناتوانی
- جسمی ← ضعیف الجثه
  - روحی ← ترسو
  - مهارتی و ... ← ناآشنا به کاربرد اسلحه
- ۴- کشیدن سلاح مستلزم استفاده عملی از آن نیست ← مثلاً هفت تیری را بکشد اما شلیک نکند در صورت سلب امنیت محارب است. (از مصادیق بارز محاربه، قطاع الطریق است.)
- ۵- سلاح
- آنچه برای نزاع و جنگیدن ساخته شده و معنای آن از لحاظ زمان و مکان متغیر است.
  - برداشت عرف از سلاح یا اسلحه اعم از سرد و گرم است ← تفنگ، هفت تیر، مسلسل، توپ، تانک و ... اسلحه سرد مانند چاقو، شمشیر، خنجر، نیزه، قمه و ...

اما عصا، سنگ، بیل، داس (ابزار کار)، چوب، تازیانه، ادویه مانند فلفل، اسیدپاشی، آتش زدن و غیر سلاح نیست.

نکته: ساتور برای قصابی ساخته شده اما عنوان سلاح سرد بر آن صدق می کند.

ماده ۲۸۰: مقابله با محاربان

ماده ۲۸۰: «فرد یا گروهی که برای دفاع و مقابله با محاربان دست به اسلحه ببرد، محارب نیست.»

کسی که برای دفاع و مقابله دست به اسلحه ببرد، تخصصاً از محاربه خارج است زیرا در محاربه قصد خاص ترساندن مردم را لازم است.

دست بردن به اسلحه برای دفاع و مقابله با محاربان دو حالت دارد:

- ۱- اگر عمل آنها مشمول دفاع مشروع شود و شرایط ماده ۱۵۶ ق.م.ا را داشته باشد یعنی تجاوز یا خطر، فعلی یا قریب الوقوع بوده و دفاع برای دفع آن ضرورت داشته و مراحل آن رعایت شود و توسل به قوای دولتی عملاً ممکن نباشد یا مداخله آنها در دفع تجاوز یا خطر مؤثر نباشد، اساساً مجرم نیستند.
- ۲- اما اگر بدون همه یا برخی از شرایط دفاع مشروع، مانند اینکه برای انتقام پس از عمل محاربان به طور مسلحانه درگیر شوند نمی توانند به استناد دفاع مشروع مجازات نشوند اما محارب نیستند چون سوءنیت خاص ندارند یعنی قصد ناامنی در محیط نداشته اند ← اما جرم ضرب و جرح و تخریب و ... دارند.

ماده ۲۸۱: راهزنی و سرقت مسلحانه (میرمحمدصادقی، جلد ۳، ص ۵۳)

ماده ۲۸۱: «راهزنان، سارقان و قاچاقچیان که دست به سلاح می‌برند و موجب سلب امنیت مردم و راهها شوند محاربند.»

در راهزنی، سرقت و قاچاق:

- ۱- همه افرادی که در اجرای یک طرح مشترک و هماهنگ در باندهای سرقت، راهزنی و قاچاق مسلحانه شرکت دارند مشمول محاربه هستند، هر چند تنها تعدادی از افراد باند در صحنه عملیات دست به سلاح برده باشند.
- ۲- منظور از سلاح، سلاح واقعی است نه تقلبی و بدلی اما پر یا خالی بودن، سرد یا گرم بودنش فرقی ندارد.

نکته: اگر شرط محاربه یعنی کشیدن سلاح و ناامنی در محیط فراهم نباشد، مشمول ماده ۶۵۳ تعزیرات می شود. «هر کس در راهها و شوارع به نحوی از انحا مرتکب راهزنی شود، در صورتی که عنوان محارب بر او صادق نباشد، به سه تا پانزده سال حبس و شلاق تا ۷۴ ضربه محکوم می‌شود.»

تفاوت ماده ۶۵۳ و ۲۸۱

- ۱- در ماده ۶۵۳ دست به اسلحه بردن ضرورتی ندارد.
- ۲- مکان جرم در ماده ۶۵۳ راهها و شوارع است در داخل یا خارج شهر اما ماده ۲۸۱ در سایر جاها مانند گردشگاه عمومی یا ورزشگاه نیز قابل ارتکاب است.
- ۳- برای تحقق ماده ۶۵۳ باید راهزنی ارتکاب یابد، در حالی که در ماده ۲۸۱ هر چند هدف اصلی مرتکبان، سرقت و قطع الطریق باشد اما در عمل آنچه برای تحقق جرم لازم است برهم خوردن امنیت مردم یا راهها است.

← اول باید مشمول نبودن مرتکب نسبت به ماده ۲۸۱ بررسی شود تا بتوان ماده ۶۵۳ را اعمال نمود.

جرم راهزنی و سرقت مسلحانه ماده ۲۸۱ ← مقید است و سلب امنیت مردم و راهها

منظور از راهزنی

- راهها: راه عبور عابران پیاده یا ماشین رو  
 - شوارع: راههای بزرگتری مانند بزرگراهها و اتوبانها که راههای کوچک  
 فرعی از آن منشعب می شود.  
 - گرفتن اموال مسافران و عابران در راهها و شوارع، ضمن غافلگیری و  
 تهاجم مسلحانه  
 - مقید به تعداد معین نیست با یک نفر هم محقق می شود.

(گلدوزیان ص ۲۷۷)

**راهزنی، سرقت یا قاچاق**

- مرتکب دست به اسلحه ببرد ← رفتار: سرقت، راهزنی یا قاچاق مسلحانه  
 - مقید به سلب امنیت مردم و راهها است ← در عمل موجب سلب امنیت شود.

← محاربه از جهتی اعم از این موارد است که چون بدون قصد جان، مال یا آبرو فقط برای ارعاب و ترساندن مردم هم اسلحه بکشد محارب است.

← از جهت دیگر این ماده یعنی ماده ۲۸۱ مواردی را جز مصداق محاربه به شمار آورده است. یعنی قاچاق مسلحانه که به قصد جان، مال یا ناموس یا ترساندن مردم نیست اما منجر به سلب امنیت مردم و راهها شود، جزء محاربه به شمار آمده است.

ماده ۲۸۲: مجازات محارب

ماده ۲۸۲: «به یکی از چهار مجازات زیر است:

الف) اعدام ب) صلب پ) قطع دست راست و پای چپ ت) نفی بلد»

ماده ۲۸۳: «انتخاب هر یک از امور چهارگانه مذکور در ماده (۲۸۲) در اختیار قاضی است.»

ماده ۲۸۴: «مدت نفی بلد در هر حال کمتر از یک سال نیست. اگر چه محارب بعد از دستگیری توبه نماید و در صورتی که توبه نکند همچنان در تبعید باقی می ماند.»

ماده ۲۸۵: «در نفی بلد، محارب باید تحت مراقبت قرار گیرد و با دیگران معاشرت، مراوده رفت و آمد نداشته باشد.»

مجازات محارب طبق اختیار قاضی

- قطع دست و پا  
 - صلب  
 - اعدام  
 - نفی بلد

- قطع دست و پا همان حد - ۴ انگشت دست راست ← کف دست و انگشت شست بماند  
 سرقت است: (ماده ۲۷۸) - پای چپ تا برآمدگی که نصف قدم و مقداری از محل مسح بماند

**صلب** ← (طبق ماده ۵۸ آیین نامه نحوه اجرای احکام حدود، سلب حیات، قطع عضو ...): در اجرای حد صلب محکوم را در فضای باز به چوبه دار که شبیه صلیب است آویزان می کنند؛ به نحوی که پشت به صلیب و رو به قبله بوده و پاهایش مقداری از زمین فاصله داشته باشد. همچنین دست‌های محکوم را به دو چوبه افقی و پاهایش را به چوبه عمودی بسته و به مدت سه روز تحت حفاظت و مراقبت مأموران به همان حال رها می کنند.

۱- تبصره: نحوه بستن محکوم نباید به گونه ای باشد که موجب مرگ مصلوب شود.

۲- تبصره: منظور از سه روز، سه روز و دو شب داخل آن است با غروب آفتاب روز سوم، محکوم از چوبه دار پایین آورده می شود. چنان چه فوت مصلوب زودتر از سه روز محرز گردد، جسد برای انجام مراسم مذهبی و کفن و دفن پایین آورده می شود.

و طبق ماده ۵۹ همین آیین نامه اگر مصلوب پس از سه روز فوت نکرده باشد، او را رها می کنند و اگر خدمات پزشکی لازم دارد، مانعی ندارد.

**اعدام:** طبق ماده ۴۰ آیین نامه «به صورت حلق آویز و از طریق طناب دار یا به شیوه دیگری که کمترین آزار برای محکوم داشته باشد، اجرا می شود.» و طبق ماده ۴۱ زمان اجرای مجازات سالب حیات حین طلوع آفتاب است مگر آن که دادگاه زمان دیگری را تعیین کرده باشد.»

و نکته دیگر آنکه طبق ماده ۴۸ آیین نامه اگر مرگ محکوم به تأیید پزشک برسد و سپس زنده بودن او احراز شود، مجازات اعدام اجرا می شود و در قصاص نفس با درخواست اولیای دم دوباره قصاص می شود.

**نفی بلد:** طبق بند ح ماده ۱ آیین نامه: «طرد فرد از محل زندگی خود و الزام وی به سکونت در مکان خاص به نحوی که به طور مستمر تحت مراقبت بوده و مجاز به ترک محل و مراوده و معاشرت با کسی نباشد خاص جرم محاربه است.»

اما تبعید طبق بند چ: طرد فرد از محل زندگی خود و الزام وی سکونت در مکان خاص در موارد مذکور در قانون به نحوی که به طور مستمر تحت مراقبت باشد.

۱- محارب بعد از دستگیری توبه کند و محکوم به نفی بلد شود  
حداقل ۱سال باید در تبعید باشد.

۲- حداقل یک سال است - به طریق اولی اگر توبه نکند هم کمتر از یک سال در تبعید نیست.

۳- اگر در تبعید توبه کند البته پس از تحمل ۱سال، در تبعید باقی نمی ماند.

۴- در تبعید محارب تحت مراقبت است و حق معاشرت و مراوده و رفت و آمد ندارد از این رو در برخی موارد قضات حکم «حبس در تبعید» به عنوان نفی بلد می دهند.

**نفی بلد**

### مجازات محارب:

۱- **مجازات اصلی:** اعدام یا صلب یا قطع دست راست و پای چپ یا نفی بلد

۲- **مجازات تکمیلی:** طبق ماده ۲۳: دادگاه می تواند مرتکب محاربه که جزء جرایم حدی است را به یک یا چند

مجازات تکمیلی مانند منع از حمل سلاح و... محکوم نمایند. به مدت حداکثر ۲ سال طبق تبصره ۱ ماده ۲۳

**نکته:** اگر مجازات اصلی نفی بلد باشد، امکان حکم به اقامت اجباری به عنوان مجازات تکمیلی نیست (تبصره ۲ ماده ۲۳)

- مجازات تبعی:**
- محکومیت قطعی به مجازات سالب حیات ← ۷ سال محرومیت از حقوق اجتماعی. (بندالف ماده)
  - محکومیت قطعی به قطع عضو یا نفی بلد در محاربه ← ۳ سال محرومیت از حقوق اجتماعی (بند ب ماده)
  - در سایر موارد طبق تبصره ۱ ← مراتب در پیشینه کیفری محکوم درج می شود اما در گواهی صادره منعکس نمی شود مگر به درخواست مراجع قضایی برای تعیین یا بازنگری در مجازات

**- انتشار حکم محکومیت قطعی:** طبق ماده ۳۶ در صورتی که موجب اخلال در نظم و امنیت نباشد در یکی از روزنامه های محلی در یک نوبت منتشر می شود.

- اثبات محاربه**
- ۱ بار اقرار یا شهادت دو مرد عادل
  - طبق ماده ۲۱۱ ق.م.ا با علم یقین آور قاضی نیز قابل اثبات است و حتی طبق ماده ۲۱۲ در صورتی که علم قاضی با ادله قانونی دیگر در تعارض باشد، علم قاضی معتبر است و آن ادله برای قاضی معتبر نیست.

- توبه محارب:** طبق تبصره ۱ ماده ۱۴: توبه محارب البته باید اصلاح و ندامت او احراز شود.
- قبل از دستگیری یا تسلط بر او ← موجب سقوط حد است.
  - بعد از دستگیری با تسلط بر او ← پذیرفته نمی شود.
  - در تبعید
  - توبه کند ← از تبعید خارج می شود. البته بعد از ۱ سال
  - توبه نکند ← در تبعید می ماند.

- شروع به محاربه:**
- بند الف ماده ۱۲۲ ق.م.ا ← اگر مجازات جرمی سلب حیات باشد. مجازات شروع به جرم آن حبس تعزیری درجه ۴ است.
  - بند ب ماده ۱۲۲ ق.م.ا ← اگر مجازات قطع عضو باشد، حبس تعزیری درجه ۵

و مشخص نیست به کدام یک عمل شود؟ با توجه به اینکه جرم تام می تواند نفی بلد باشد!!

**معاونت در محاربه:** طبق بند الف ماده ۱۲۷ ق.م.ا ← مجازات جرم مباشر سلب حیات باشد ← حبس تعزیری درجه ۲ یا ۳ یعنی بیش از ۱۰ تا ۲۵ سال حبس در حالی که برای مباشر قاضی می تواند به یک سال نفی بلد حکم بدهد!!

**چند نکته:**

۱- تعویق و تعلیق صدور حکم و اجرای مجازات درباره **محاربه و معاونت محاربه** امکان ندارد. طبق بند الف و ث ماده ۴۷ ق.م.ا

<p>۱- تحریک مؤثر نیروهای رزمنده</p> <p>۲- احراق و تخریب ← به قصد مقابله با حکومت (تبصره ۱ ماده ۶۷۵)</p> <p>۳- جرم نظامیان ماده ۲۰ نیروهای مسلح</p> <p>۴- خرابکاری در تأسیسات عمومی (تبصره ۱ ماده ۶۷۸)</p>	<p>۲- شرط محارب محسوب شدن</p>	<p>- به قصد بر اندازی حکومت یا</p> <p>- به قصد شکست نیروهای خودی در مقابل دشمن</p> <p>- برای جدا کردن قسمتی از قلمرو حاکمیت ایران یا</p> <p>- لطمه به تمامیت ارضی یا استقلال کشور اقدام نماید.</p> <p>- به منظور اخلال در نظم و امنیت جامعه</p> <p>- و مقابله با حکومت اسلامی</p>
---	-------------------------------	---

۳- رسیدگی به جرم محاربه در صلاحیت دادگاه انقلاب است.

۴- در محاربه صرف ادعای شبهه مسقط حد نیست، و دادگاه موظف به تحقیق و بررسی است و اگر دلیلی برای رفع شبهه پیدا نشود، جرم ثابت نمی‌شود. (شبهه در وقوع جرم، شرایط آن، شرایط مسئولیت کیفری)

۵- طبق ماده ۱۳۰ ق.م.ا «اگر عنوان محارب بر سردسته گروه مجرمانه (منسجم دارای ۳ عضو یا بیشتر برای ارتکاب جرم) صدق کند، به مجازات محارب محکوم می‌شود.»

## ۲- افساد فی الارض:

ماده ۲۸۶ «هر کس به طور گسترده، مرتکب جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد، جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور، نشر اکاذیب، اخلال در نظام اقتصادی کشور احراق و تخریب، پخش مواد سمی و میکروبی و خطرناک یا دایر کردن مراکز فساد و فحشا یا معاونت در آنها گردد به گونه‌ای که موجب اخلال شدید در نظم عمومی کشور، ناامنی و ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد یا اموال عمومی و خصوصی، یا سبب اشاعه فساد و فحشا در حد وسیع گردد مفسد فی الارض محسوب و به اعدام محکوم می‌گردد.

تبصره- هرگاه دادگاه از مجموعه ادله و شواهد قصد اخلال گسترده در نظام عمومی، ایجاد ناامنی، ایجاد خسارت عمده و یا اشاعه فساد یا فحشا در حد وسیع و یا علم به مؤثر بودن اقدام انجام شده را احراز نکند و جرم ارتكابی مشمول مجازات قانونی دیگری نباشد، با توجه به میزان نتایج زیانبار جرم، مرتکب به حبس تعزیری درجه پنج یا شش محکوم می‌شود.»

### عناصر جرم افساد فی الارض

- جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد
- جرایم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور
- نشر اکاذیب یا معاونت وسیع
- اختلال در نظام اقتصادی
- احراق و تخریب
- پخش مواد سمی و میکروبی و خطرناک
- دایر کردن مراکز فساد و فحشا

#### رفتار

یا معاونت وسیع در این امور گردد.

- ارتکاب گسترده رفتارهای فوق (ضابطه عینی)
- سه بار تکرار؟
- ده بار؟
- مرتکب: هر کسی

#### شرایط اوضاع و احوال

- اختلال شدید در نظم عمومی و ناامنی
- ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد یا اموال عمومی و خصوصی
- اشاعه فحشا یا فساد در حد وسیع

#### نتیجه: رفتارها منجر به

کلمات «شدید»، «عمده» و «وسیع» ← مبهم هستند ← نظر قاضی تعیین کننده است.

- سوء نیت عام: علم و عمد در ارتکاب رفتارها
- سوء نیت خاص: قصد نتیجه؛ یعنی اختلال شدید، خسارت عمده یا اشاعه در حد وسیع یا علم به موثر بودن آنها (نوعی قصد غیرمستقیم) ← ضابطه شخص یا ذهنی برای افساد فی الارض ضروری است.

#### عنصر معنوی

افساد فی الارض جرم مقید است.

<p>- اعدام ← اگر همه شرایط احراز گردد</p> <p>- اگر از مجموع ادله و شواهد قصد اخلال گسترده در نظم عمومی یا ایجاد ناامنی یا ایراد خسارت عمده یا اشاعه فساد یا فحشا در حد وسیع یا علم به موثر بودن اقدامات انجام شده را احراز نکند و جرم ارتكابی مشمول مجازات قانونی بیشتری نباشد. (حبس درجه ۵ یا ۶)</p> <p>- اگر مجازات قانونی بیشتری داشته باشد، به همان مجازات محکوم می شود.</p>	<p>- مجازات اصلی</p> <p>- حبس درجه ۵ یا ۶</p>	<p><b>مجازات افساد فی الارض</b></p>
<p>- مجازات تکمیلی ← طبق ماده ۲۳ ق.م.ا در جرایم حدی حداکثر ۲ سال دارد.</p> <p>- مجازات تبعی ← طبق ماده ۲۵ ق.م.ا ← در محکومیت به سالب حیات ۷ سال محرومیت از حقوق اجتماعی است.</p>		

<p>- طبق ماده ۲۳ مجازات تکمیلی حداکثر تا ۲ سال</p> <p>- طبق ماده ۲۵ اگر حبس درجه ۵ باشد طبق بند پ این ماده به ۲ سال محرومیت از حقوق اجتماعی محکوم می شود.</p>	<p>اگر مرتکب به حبس تعزیری درجه ۵ یا ۶ محکوم شود</p>
---	--

در غیر موارد فوق طبق تبصره ۱ ماده ۲۵ محکومیت در پیشینه کیفری محکوم به درج می شود اما در گواهی صادره درج نمی شود.

### نکات افساد فی الارض

- ۱- هر کس به طور گسترده مرتکب معاونت در افساد فی الارض گردد مجازاتش مانند مباشر مفسد است.
- ۲- طبق ماده ۳۶ ق.م.ا در جرایم موجب افساد فی الارض حکم محکومیت در یکی از روزنامه های محلی در یک نوبت منتشر می شود، اگر انتشار حکم، موجب اخلال در نظم یا امنیت نباشد.
- ۳- طبق ماده ۴۷ ق.م.ا صدور حکم و اجرای مجازات در باره جرائم علیه امنیت و در معاونت در افساد فی الارض قابل تعلیق و تعویق نیست. البته در جرایم علیه امنیت تعریزی در صورت همکاری مؤثر در بخش از مجازات، قابل تعلیق است.
- ۴- دادگاه صالح در رسیدگی به افساد فی الارض: طبق ماده ۳۰۳ ق.آ.د.ک در صلاحیت دادگاه انقلاب اسلام است.
- ۵- تأثیر قاعده درء: هرگاه وقوع جرم یا برخی از شرایط آن یا هر یک از شرایط مسئولیت کیفری مورد شبهه قرار گیرد اگر دلیلی بر نقض آن شبهه پیدا نشود جرم با آن شبهه ثابت نمی شود.

طبق ماده ۱۲۱ ق.م.ا: ادعای فقدان علم یا قصد یا وجود موانع مسئولیت کیفری در حین ارتکاب جرم، صرف ادعا مسقط حد نیست و دادگاه موظف به بررسی و تحقیق است.



### موارد ملحق شده به مفسد فی الارض: دارای مجازات اعدام (همان، ص ۶۰)

۱- طبق تبصره ۲ ماده ۱ قانون «تشدید مجازات اسید پاشی و حمایت از بزه دیدگان ناشی از آن» در مواردی که اسید پاشی مشمول مقررات ماده (۲۸۶) قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲/۲/۱ باشد؛ اقدام مرتکب، افساد فی الارض محسوب و به مجازات آن محکوم می شود.

← اگر اسیدپاشی به صورت گسترده علیه تمامیت جسمانی اشخاص صورت گیرد و موجب اخلاص شدید در نظم عمومی کشور شود یا ناامنی و ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد شود ← مستوجب مجازات مفسد فی الارض است.

۲- گران فروشی، کمفروشی یا عرضه نان نامرغوب و خودداری از عرضه کالا و از دادن فاکتور به قصد مقابله با

**حکومت** (مواد ۵ و ۶ تشدید مجازات محتکران و گرانفروشان) ۱۳۶۷

۳- عبور دادن افراد از مرز در صورتی که محل امنیت عمومی باشد (ماده ۱ مجازات عبور دهندگان از مرز) ۱۳۶۷

۴- ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری با تشکیل و رهبری شبکه چند نفره (ماده ۴ تشدید مجازات ارتشاء اختلاس)

۵- جعل، توزیع، وارد کردن اسکناس رایج داخلی به قصد مقابله و مبارزه با نظام توسط عضوی از شبکه مجرمانه (ماده واحده قانون تشدید مجازات جاعلین اسکناس و وارد کنندگان، توزیع کنندگان و مصرف کنندگان اسکناس مجعول) ۱۳۶۸ (مجمع)

۶- اخلاص در نظام تولید، توزیع، صادرات یا پولی از طریق کارهایی مثل قاچاق ارز، احتکار و گران فروشی؛ رشا و ارتشاء خارج کردن میراث فرهنگی از کشور؛ حیف و میل کلان اموال مردم با تأسیس شرکت‌های مضاربه‌ای و مانند آن.... (قانون مجازات اخلاصگران در نظام اقتصادی کشور ۱۳۶۹)

۷- طبق ماده ۴۵ الحاقی به مواد مخدر: مرتکبان جرائمی که در این قانون دارای مجازات اعدام یا حبس ابد هستند در صورت احراز یکی از شرایط ذیل در حکم مفسد فی الارض می باشند و به مجازات اعدام و ضبط اموال ناشی از مواد مخدر و روانگردان محکوم می‌شود در غیر این صورت حسب مورد «مشمول اعدام» به حبس درجه یک تا سی سال و جزای نقدی درجه ۱ تا سی سال و جزای نقدی درجه یک تا دو برابر حداقل آن و «مشمولین به حبس ابد» به حبس و جزای نقدی درجه دو و در هر دو مورد به ضبط اموال ناشی از جرائم مواد مخدر و روانگردان محکوم می‌شوند.

الف) در مواردی که مباشر جرم و یا حداقل یکی از شرکا حین ارتکاب جرم سلاح کشیده یا به قصد مقابله با مأموران، سلاح گرم و یا شکاری به همراه داشته باشد. (سلاح سرد و مهمات)

ب) در صورتی که مرتکب نقش سردستگی (موضوع ماده ۱۳۰ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲/۲/۱) یا پشتیبانی مالی و یا سرمایه گذاری را داشته باشد یا از اطفال و نوجوانان کمتر از ۱۸ سال یا مجانین برای ارتکاب جرم استفاده کرده باشد.

پ) مواردی که مرتکب به علت ارتکاب جرائم موضوع این قانون، سابقه محکومیت قطعی اعدام یا حبس ابد یا حبس بیش از ۱۵ سال را داشته باشد.

ت) کلیه جرائم موضوع ماده ۴ قانون مبارزه با مواد مخدر (مواد سنتی) مشروط بر اینکه بیش از ۵۰ کیلوگرم باشد و موضوع ماده (۸) (مواد صنعتی) مشروط بر این که بیش از سه کیلوگرم باشد.

ماده ۲۸۷: «گروهی که در برابر اساس نظام جمهوری اسلامی ایران، قیام مسلحانه می کند باغی محسوب می شود و در صورت استفاده از سلاح، اعضای آن به مجازات اعدام محکوم می گردند.»

- رفتار: قیام مسلحانه گروهی
- عنصر مادی
- شرایط و اوضاع و احوال
  - فعالیت متشکل و نظام مند بیش از دو نفر
  - گروه علیه اساس نظام دست به اسلحه برده باشند
  - موضوع بغی: حکومت و نظام جمهوری اسلامی
  - نتیجه: مطلق است و ندارد
- عنصر معنوی
- سوءنیت خاص: قصدبراندازی نظام جمهوری اسلامی
  - سوءنیت عام: علم و عمد در اقدام به قیام مسلحانه

ماده ۲۸۸: «اعضای گروه باغی قبل از درگیری و استفاده از سلاح دستگیر شوند، چنان چه سازمان و مرکزیت آن وجود داشته باشد به حبس تعزیری درجه سه و در صورتی که سازمان و مرکزیت آن از بین رفته باشد به حبس تعزیری درجه پنج محکوم می شوند.»

- مجازات باغی
- ۱- اگر گروه علیه اساس نظام دست به اسلحه برده باشد و متهم خاص از اسلحه استفاده کرده باشد ← آن متهم به اعدام محکوم می شود.
  - ۲- در صورت دستگیری اعضا قبل از درگیری و استفاده از سلاح
  - ۳- اگر سازمان و مرکزیت باقی باشد ← درجه ۳
  - ۵- اگر سازمان و مرکزیت باقی نباشد ← درجه ۵

نکته ۱: سازمان و مرکزیت از بین رفته باشد به این معنا نیست که اعضای مرکزیت در قید حیات نباشد، بلکه مواردی که آنان به دلایلی مانند شناسایی و حبس، عملاً نقشی در اداره گروه نداشته باشند نیز مشمول از بین رفتن سازمان و مرکزیت هستند.

نکته ۲: باغی کسی است که عملاً دست به سلاح برده باشد و صرف اقدام به قیام مسلحانه موجب باغی محسوب شدن همه اعضای آن و هواداران آن نمی شود!! (میر محمد صادقی، ص ۶۶)

### شخصی

- برای مقابله با نظام
- در مجلس بمب گذاری می کند
- صدها نماینده را می کشد
- قیام مسلحانه علیه نظام ← باغی است.
- جرم گسترده علیه امنیت است ← مفسد فی الارض است
- سلاح کشیدن به قصد جان مردم یا ارباب ← موجب ناامنی و محارب

← تعدد معنوی است و طبق تبصره ۲ ماده ۱۳۲ مجازات اجرا می شود ق.م.ا ← مجازات اشد اجرا می شود.

### نکته

- بغی جرم علیه حکومت و گروهی
- و انگیزه اصلاح ندارد ← پس طبق ماده ۱ جرم سیاسی، سیاسی نیست
- محاربه و افساد جرم علیه امنیت است.
- سیاسی است اما چون خشونت و سلاح دارد مشمول نیست

دادگاه صالح به رسیدگی دادگاه انقلاب است و بغی جرم مطلق است.

## تعزیرات

### فصل اول: جرایم ضد امنیت داخلی و خارجی کشور (مواد ۵۱۲ - ۴۹۸)

همه جرایم، امنیت و آسایش عمومی را خدشه دار می سازند اما برخی جرایم مستقیماً با مفهوم امنیت ملی در ارتباط هستند مانند جاسوسی، شورش، تحریک مردم به شورش، جمع آوری اطلاعات محرمانه، سوء قصد به جان مقامات سیاسی و ... به طور مستقیم با حاکمیت ملی و اساس و پایه های یک نظام و حکومت برخورد دارند، از این رو جرایم علیه امنیت نامیده می شود. (میرمحمدصادقی، ۱۵:۳)

#### نکات کلی جرایم علیه امنیت:

- ۱- انجام این جرایم در خارج کشور توسط ایرانی یا غیرایرانی طبق ماده ۵ ق.م.ا در صلاحیت محاکم ایران و طبق قانون ایران است. (صلاحیت واقعی) (همان، ص ۲۸)
- ۲- صدور حکم و اجرای مجازات و شروع به آن درباره جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور قابل تعویق و تعلیق نیست. (بند الف ماده ۴۷ ق.م.ا) مگر اینکه مرتکب همکاری مؤثر کند که قابل تعلیق در بخشی از مجازات می شود. (طبق قانون کاهش)
- ۳- اعمال مجازات جایگزین حبس درباره جرایم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور ممنوع است. (ماده ۷۱ ق.م.ا)
- ۴- جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور از شمول مرور زمان تعقیب صدور حکم و اجرای مجازات خارج هستند و مشمول مرور زمان نمی شوند. ← جرایم علیه امنیت از تخفیف و مساعدت هایی که به مجرمین عادی می شوند، محروم هستند.
- ۵- استثنائاً در مواردی که به امنیت داخلی و خارجی کشور مربوط باشد با موافقت رئیس کل دادگستری استان و با تعیین مدت و تعیین دفعات کنترل، ارتباطات مخابراتی افراد قابل کنترل است. (اصل بر ممنوعیت آن است) (ماده ۱۵۰ ق.آ.د.ک)
- ۶- جلب متهم قبل از احضار توسط بازپرس در جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور امکان دارد. (ماده ۱۸۰ ق.آ.د.ک)
- ۷- صدور قرار بازداشت موقت در جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور که مجازات قانونی آنها درجه پنج و بالاتر است، جایز است مشروط بر اینکه دلایل، قرائن و امارات کافی بر توجه اتهام به متهم دلالت کند. (بند پ ماده ۲۳۷ ق.آ.د.ک) صدور قرار بازداشت موقت اصولاً جایز نیست.
- ۸- الزامی بودن صدور قرار بازداشت موقت در زمان جنگ درباره جرایم عمدی علیه امنیت داخلی و خارجی که موجب مجازات تعزیری درجه پنج و بالاتر باشد. (بند ب ماده ۶۱۸ ق.آ.د.ک)
- ۹- جرایم تعزیری علیه امنیت در راستای محاربه، افساد فی الارض و بغی هستند و وقتی شرایط اعمال مجازات حدی باشد، نوبت به تعزیر نمی رسد، از این رو قانون گذار در موارد مختلف تصریح نموده که اگر مرتکب محارب نباشد، مجازات تعزیری اعمال می شود.
- ۱۰- در جرایم علیه امنیت، برخلاف جرایم عادی، تحقق جرم سهل تر است و گاهی اعمال مقدماتی به عنوان جرم خاص تلقی شده مانند تشکیل جمعیت به قصد بر هم زدن امنیت یا صرف اجتماع دو یا چند نفر بدون تدارک مقدمات اجرایی در جرایم علیه امنیت.

## تشکیل یا اداره گروه علیه امنیت کشور

ماده ۴۹۸: «هر کس با هر مرامی، دسته، جمعیت یا شعبه جمعیتی بیش از دو نفر در داخل یا خارج از کشور تحت هر اسم یا عنوانی تشکیل دهد یا اداره نماید که هدف آن بر هم زدن امنیت کشور باشد و محارب شناخته نشود به حبس از دو تا ده سال محکوم می شود.»

کسی که گروه را به منظور بر هم زدن امنیت کشور تشکیل دهد یا اداره نماید مجرم است و طبق این ماده مجازات می شود.

- عنصر مادی	- رفتار: تشکیل یا اداره دسته، جمعیت یا شعبه جمعیت
	- مرتکب جرم، هر کس می تواند باشد، جنس، سمت، شغل و ملیت، اهمیت ندارد، ایدئولوژی و طرز فکر هم مهم نیست
	- حداقل تعداد جمعیت ۳ نفر باشد
	- مکان جرم در تحقق جرم اهمیتی ندارد
	- اسم و عنوان جمعیت هم اهمیتی ندارد
	- نتیجه: ندارد

- عنصر معنوی	- سوءنیت عام: علم به موضوع جرم و عمد در ارتکاب
	- سوءنیت خاص: قصد بر هم زدن امنیت کشور

نکته: جرم تشکیل یا اداره دسته یا جمعیت علیه امنیت کشور، مطلق است و اعمال مجازات منوط به نتیجه نیست و قانونگذار اعمال مقدماتی که در راستای ارتکاب جرم علیه امنیت صورت می گیرد را به عنوان جرم خاص پیش بینی کرده (همان، ص ۳۴) خواه امنیت به هم بخورد یا نخورد، عمل ارتكابی جرم و قابل مجازات است.

مجازات	- هر یک از این افراد که به قصد براندازی اقدام کنند، محارب محسوب می شوند (طبق ماده ۲۷۹ ق.م.ا) و به مجازات محارب محکوم می شوند یا اگر موجب تحقق افساد فی الارض یا بغی شود نیز به مجازات همان جرائم محکوم می شوند. (همان ص ۷۰)
	- اگر عمل او مستوجب حد محاربه شناخته نشود به حبس دو تا ده سال محکوم می شود. (درجه ۴)

۱- این ماده مربوط به اداره کننده یا تشکیل دهنده است ← ضرورتی ندارد هر ۳ نفر یا همه اعضای دسته یا جمعیت جزء مؤسسين و مديران باشند

- حضور ۳ نفر لازم است.

- مؤسسين يا مديران ولو يك نفر باشد طبق ماده ۴۹۸ مجازات می شود.

نکات ماده  
۴۹۸

۲- اگر مؤسس جمعیت آن را برای هدف دیگری تأسیس کرده ولی سایرین، بدون اطلاع او، از آن جمعیت در جهت بر هم زدن امنیت کشور استفاده کنند یا مواضع را تغییر دهند، قطعاً تشکیل دهنده به خاطر عدم عنصر روانی مجازات نمی شود.

۳- کسی که دسته یا جمعیت واحدی را تأسیس کرده و خودش آن را اداره کند، نمی توان او را به دو مجازات محکوم کرد. (همان، ص ۷۰)

ماده ۴۹۹: عضویت در گروههای علیه امنیت کشور

«هر کس در یکی از دسته ها یا جمعیت ها یا شعب جمعیت های مذکور در ماده ۴۹۸ عضویت یابد، به سه ماه تا پنج سال حبس محکوم می گردد مگر اینکه ثابت شود از اهداف آن بی اطلاع بوده است.»

این ماده درباره مجازات اعضای غیر مؤسس و غیر مدیر است. یعنی کسی که به عضویت گروهی درآید که هدفش بر هم زدن امنیت کشور است، طبق این ماده، مجرم و مشمول مجازات است.

- رفتار: عضویت در یکی از دسته ها یا جمعیت ها یا شعب جمعیت

- جمعیت و دسته جات متشکل از حداقل ۳ نفر

- مرتکب جرم هر کسی ایرانی یا غیرایرانی است.

- نتیجه: ندارد و جرم مطلق است

عنصر مادی

- سوءنیت عام: علم و عمد در ارتکاب رفتار

- سوءنیت خاص: قصد برهم زدن امنیت کشور (عضویت به این قصد باشد)

عنصر معنوی

مجازات: اگر مشمول حد نباشد، سه ماه تا پنج سال حبس (درجه ۵) (نکته: اگر محاربه نباشد، به حبس محکوم می شود، هر چند این مسئله در ماده بیان نشده اما بدیهی است)

نکات ماده ۴۹۹: (همان، ص ۷۲-۷۰)

۱- اصل بر عالم بودن عضو است چون کسی که عضو می شود قطعاً از اهداف آن آگاه است از این رو در انتهای ماده می گوید: مگر اینکه ثابت کند از اهداف آن بی اطلاع بوده است.

۲- با حضور ۳ نفر مواد ۴۹۸ و ۴۹۹ قابل اعمال است حتی اگر ۱ یا ۲ نفر از استثنای پایان ماده ۴۹۹ استفاده کننده و با اثبات عدم اطلاع خود از اهداف دسته یا جمعیت، از مجازات رها شوند. یا مثلاً عضو سوم به دلیل اکراه، اختلال دماغی یا صغیر ممیز بودن قابل مجازات نباشد. (صغیر غیر ممیز و مجنون در احراز ۳ نفر نمی آید چون استقلال فکر و شخصیت ندارند)

مانند ] - مؤسس ← مجازات ماده ۴۹۸  
- عضو مطلع ← مجازات ماده ۴۹۹  
- عضو نامطلع ← معاف از مجازات

۳- ماده ۴۹۹ درباره کسانی که عضو نبوده و صرفاً حامی یا مبلغ دسته یا جمعیتی باشند، قابل اعمال نیست.

۴- منظور از دسته یا جمعیت، گروههای دارای نوعی دوام و پایایی هستند حضور در کنفرانس دو روزه برای برهم زدن امنیت، مشمول مواد ۴۹۸ و ۴۹۹ نیست.

۵- عضویت در بیش از یک دسته یا جمعیت مواد ۴۹۸ و ۴۹۹ مانند عضویت در یکی و مؤسس یا مدیر دیگری باشد اعمال او مشمول ارتکاب جرم متعدد است و طبق ماده ۱۳۴ تعدد جرم و موجب تشدید کیفر است.

تشکیل یا اداره جمعیت توسط نظامیان در مواد ۱۷ ] - برای براندازی  
و ۱۹ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح ] - برای سلب امنیت

- ماده ۱۷: «هر نظامی که برنامه براندازی به مفهوم تغییر و نابودی اساس جمهوری اسلامی ایران را طرح یا بدان اقدام نموده و به این منظور جمعیتی تشکیل دهد یا اداره نماید یا در چنین جمعیتی شرکت یا معاونت مؤثر داشته باشد، محارب محسوب می شود.»

← ] - تشکیل یا اداره  
- شرکت در جمعیت (عضویت)  
- معاونت مؤثر در جمعیت ← عضو جمعیت نیست اما کمک مؤثر ارائه می دهد.

مواد

نکته: تفاوت «طراحی» ] - در طراحی: فرد نظامی، طرح براندازی را می ریزد.  
برنامه براندازی و «اقدام» ] - در اقدام: شروع به اجرای طرح دیگری، می کند.

- ماده ۱۹: «هر نظامی که به منظور برهم زدن امنیت کشور (ایجاد رعب، آشوب و قتل) جمعیتی با بیش از دو نفر تشکیل دهد یا اداره کند، چنانچه محارب شناخته نشود به حبس از سه تا پانزده سال محکوم می گردد. اعضای جمعیت که نسبت به اهداف آن آگاهی دارند، در صورتی که محارب شناخته نشوند، به دو تا پنج سال حبس محکوم می گردند.»

- نکته: جرم موضوع مواد ۱۷ و ۱۹ نیز مطلق هستند. در ماده ۱۹
- حداقل جمعیت ۳ نفر
- تشکیل جمعیت برای برهم زدن امنیت کشور است و مجازات کمتری نسبت به براندازی دارد

توهین به قومیت های ایرانی یا ادیان الهی یا مذاهب اسلامی:

ماده ۴۹۹ مکرر- هر کس با قصد ایجاد خشونت یا تنش در جامعه و یا با علم به وقوع آن به قومیت های ایرانی یا ادیان الهی یا مذاهب اسلامی مصرح در قانون اساسی توهین نماید، چنانچه مشمول حد نباشد و منجر به خشونت یا تنش شده باشد به حبس و جزای نقدی درجه پنج یا یکی از آن دو محکوم و در غیر این صورت به حبس و جزای نقدی درجه شش یا یکی از آن دو محکوم می شود.

تبصره ۱- منظور از توهین، موارد مندرج در «قانون استفساریه نسبت به کلمه اهانت، توهین و یا هتک حرمت مندرج در مقررات جزائی مواد (۵۱۳)، (۵۱۴)، (۶۰۸) و (۶۰۹) قانون مجازات اسلامی و بندهای (۷) و (۸) ماده (۶) و مواد (۲۶) و (۲۷) قانون مطبوعات مصوب ۴/۱۰/۱۳۷۹» می باشد.

تبصره ۲- چنانچه جرم موضوع این ماده در قالب گروه مجرمانه سازمان یافته ارتکاب یابد و یا از سوی مأموران یا مستخدمان دولتی یا عمومی در حین انجام وظیفه یا به مناسبت آن واقع شود و یا از طریق نطق در مجامع عمومی یا با استفاده از ابزارهای ارتباط جمعی در فضای واقعی یا مجازی منتشر شود، مجازات مقرر به میزان یک درجه تشدید می شود.



- رفتار فیزیکی: توهین

«طبق قانون استفساریه، به کار بردن الفاظی که صریح یا ظاهر باشد و یا ارتکاب اعمال و انجام حرکاتی که با لحاظ عرفیات جامعه و با در نظر گرفتن شرایط زمانی و مکانی و موقعیت اشخاص موجب تخفیف و تحقیر آنان شود و با عدم ظهور الفاظ، توهین تلقی نمی شود.»

شرایط و اوضاع و احوال:

مرتکب: هر کسی (اما اگر توسط مستخدمان دولتی یا عمومی در حین انجام وظیفه یا به مناسبت آن واقع شود، باعث تشدید مجازات است.)

با هر وسیله ای (اما اگر از طریق نطق در مجامع عمومی یا با استفاده از ابزارهای ارتباط جمعی در فضای واقعی یا مجازی منتشر شود، باعث تشدید مجازات است.)

عنصر مادی

۱- قومیت های ایرانی .آذری، لر، لک، کرد، ترکمن، قشقایی، عرب، بلوچ، ارمنی، ...  
قوم یعنی گروهی اجتماعی با اصل و نسب یکسان یا مشترک که اغلب زبان و رفتار و پوشش و مذهبی یکسان دارند.

موضوع جرم

۲- ادیان الهی: زرتشتی، کلیمی، مسیحی .اصل ۱۳ ق.ا.  
۳- مذاهب اسلامی: حنفی، شافعی، مالکی، حنبلی، زیدی .طبق اصل ۱۲ ق.ا.

- نتیجه: ندارد و مطلق است اما اگر منجر به نتیجه شود یعنی منجر به خشونت یا تنش شده باشد باعث تشدید مجازات است.

سوء نیت عام: علم و عمد در ارتکاب می داند رفتار یا گفتار یا اشاره و ... توهین است و می داند نسبت به قومیت یا مذاهب رسمی یا ادیان الهی است و عمدا انجام می دهد.  
سوء نیت خاص: قصد ایجاد خشونت یا تنش در جامعه و یا با علم به وقوع آن

عنصر معنوی

مجازات:

- ۱ اگر مستوجب حد باشد یعنی مستوجب ساب النبی، افساد فی الارض به مجازات حدی محکوم می شود. توهین او طبق ماده ۲۶۲ مستوجب ساب النبی و اعدام باشد یعنی قذف یا دشنام به پیامبران شناخته شده الهی مستوجب افساد فی الارض یعنی طبق ماده ۲۸۶ جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی به صورت گسترده که موجب اخلال و ناامنی در حد وسیع گردد.
۲. اگر مستوجب حد نباشد اما منجر به خشونت یا تنش شده باشد، مستوجب حبس و جزای نقدی درجه پنج یا یکی از آن دو است.
۳. اگر مستوجب حد نباشد و منجر به خشونت یا تنش نشده باشد، به حبس و جزای نقدی درجه شش یا یکی از آن دو محکوم می شود.

#### ۴. علل مشدده نوعی: تشدید مجازات

الف) اگر در قالب گروه مجرمانه سازمان یافته ارتکاب یابد (گروه مجرمانه دارای انسجام نسبی و دست کم ۳ نفر عضو دارد و برای جرم تشکیل شده یا پس از تشکیل، هدف آن برای ارتکاب جرم منحرف شده است).  
ب) یا از سوی مأموران یا مستخدمان دولتی یا عمومی در حین انجام وظیفه یا به مناسبت آن واقع شود.  
(علل مشدده شخصی)

#### ج) یا از طریق نطق در مجامع عمومی

د) یا با استفاده از ابزارهای ارتباط جمعی در فضای واقعی یا مجازی منتشر شود، مهم ترین وسایل ارتباط جمعی عبارتند از: رادیو، تلویزیون، مطبوعات، سینما، ماهواره، رایانه و ویدئو، پیامک‌های نوشتاری و تصویری انبوه، وب سایت خبری و ...  
مجازات مقرر به میزان یک درجه تشدید می شود یعنی منجر به خشونت یا تنش نشده باشد، مستوجب حبس و جزای نقدی درجه ۵ یا یکی از آن دو است و اگر منجر به خشونت یا تنش شده باشد، مستوجب حبس و جزای نقدی درجه ۴ یا یکی از آن دو است.